



## لقمان و نظارت ملی

۱۷ - يا بنی اقم الصلوة وأمر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما اصابک ان ذلک من عزم الامور

«فرزندم! نماز را بپا دار، مردم را به کارهای نیک دعوت بنما و از امور زشت بازدار، در برابر مصیبت و سختی صابر و بردبار باش، اینها یک سلسله سفارشهای مؤکد و لازم است.»

لقمان حکیم در این آیه پس از یادآوری نماز موضوع امر بمعروف و نهی از منکر را پیش کشیده و بعداً دستور صبر و استقامت بفرزند عزیز خود داده است، اکنون بحث ما در پیرامون اصل دوم تحت عنوان مبارزه با فساد و یا نظارت ملی است و در شماره آینده، مسأله صبر و استقامت را مطرح خواهیم ساخت.

موضوع امر بمعروف و باصلاح نظارت ملی یک موضوع دامنه دار است که در تمام شئون زندگی ما دخالت دارد، و نمیتوان در یک مقاله حق آنرا ادا نمود. از این نظر یک قسمت از مسائل مهم آنرا در این جا مطرح می سازیم و بر رسی کامل را بوقت دیگری محول می نمائیم.

در جهان امروز علاوه بر نظارت و مراقبتهای خصوصی که برعهده بعضی از مؤسسه ها و دوائر است مانند شهرداری که حق نظارت بر عمران و آبادی شهر دارد؛ یک نظارت ملی و عمومی بتمام مردم واگذار شده که حق نظارت و راهنمایی و انتقاد در کلیه امور داشته باشد تا

با بیان و منطق ، لغزشها و نواقص را تذکر دهد .

در حکومت‌های موقتی امروز جهان که سیستم حکومت ، حکومت مردم بر مردم است این سنخ نظارت جنبه طبیعی دارد ، زیرا سرچشمه قدرت خود مردم هستند ، نمایندگان مجلسین نمایندگان مردم و زبان مردمند دولت که زائیده اکثریت مجلس سنا و شورای است ، نقشی جز فرمانبرداری و اجراء رأی نمایندگان ملت ، ندارد .

بنابر این ملت میتواند در تمام مشئون کشور نظارت بنماید ، زیرا سرچشمه قدرت و علت پیدایش و تشکیل سازمانها ملت است او میتواند هر گونه انحرافی در سازمانهای اداری و تشکیلات کشوری دید ، فوراً انتقاد کند و نظر بدهد . و به میزان انحراف اجتناب خود را شدیدتر سازد زیرا مبدء نیرو است ، و تمام قدرتمندان در پرتو قدرت او قدرتمند گشته اند .

این همان نظارت ملی است که جهان متمدن آنرا بصورت عالیترین اصل پذیرفته و اسلام چهارده قرن پیش پایه گذار آن بوده ؛ و لقمان حکیم نیز بان اشاره فرموده است .

### نظارت ملی در اسلام واجب است

در ملتهای زنده جهان امر و نظارت يك امر مباح است . هر فردی میتواند از این حق بهره - برداری نماید ، ولی اگر همان فرد از این حق استفاده نکرد ، او را مجازات نمیکند ؛ مثلاً اگر گوینده و یا نویسنده ای انحراف در امور اجتماعی دید ، میتواند با گفتن و نوشتن ، از حق مشروع خود استفاده نماید ولی اگر نکرد ، او را به محاکمه نمیکشند اما در اسلام امر بمعروف و نهی از منکر بصورت يك اصل لازم و واجب وارد شده ؛ و هیچ مسلمانی حق ندارد در برابر گناه و خطا سکوت کند ، و مهر خاموشی بر دهان بزند .

اسلام بقدری باین مطلب اهمیت داده که شخصیت و ارزش هر ملتی را در سایه مبارزه با فساد دانسته است بطوریکه در اجراء قوانین دقت کامل بعمل آورد ، در برابر گناه و طغیان یکبارد و یا يك جمعیت مخصوص سکوت اختیار نکند و خداوند این حقیقت (شخصیت مال آن ملتی است که با فساد مبارزه نماید) را در آیه زیر بیان فرموده است :

كنتم خیرامة اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر (آل عمران ۱۱۰) : شما در میان ملتها در صورتی بهترین ملت و امت هستید که مردم را به نیکی دعوت کنید و از کارهای زشت بازدارید .

اسلام با اندازه ای باین مسأله حیاتی اهمیت داده که کسانی را که از این اصل مسلم و حق مشروع خود در انزواستنی و تنهایی و یا علل دیگر ؛ استفاده نمی نمایند ؛ مردگان زنده نماندند

است و چنین فرموده : **اولئك هميت الاحياء** : آنان مردگان زنده‌نما هستند، زیرا باسان مرده از حق مسلم فردی و اجتماعی استفاده ننموده و از حقوق خود دفاع نمیکنند و در برابر عسبان و طغیان دیگران که بطور مسلم دود آن به چشم آنها نیز خواهد رفت ، سکوت می‌نمایند .

### اسلام و ارزش مبارزه با فساد

ارزش هر عمل بستگی به نتیجه‌ای دارد که از آن عمل گرفته میشود : ارزش عمل يك جراح که در باره بیمار مبتلا به بیماری «آپاندیست» انجام میدهد بمراتب بالاتر از ارزش استاد کاری است که در برابر شعله‌های آتش ؛ آهنی را جوش میدهد ، و یا گاو آهن میسازد . در صورتی که رنج بدنی دومی و مقدار وقتی که دومی لازم دارد قابل قیاس ؛ با رنجی که جراح در اطاق عمل در هوای معتدل متحمل میشود ، نیست - مع الوصف - ارزش عمل جراح کجا . و ارزش کار يك استاد کار کجا . و نکته این تفاوت ؛ در بزرگی و کوچکی نتیجه‌ایست که عائد طرف می - گردد ، جراح نیم ساعت وقت صرف نموده و رنج کشیده ، ولی در نتیجه يك شخص مشرف بمرك رازنده کرده است ، آنگاه دومی چند برابر انرژی مصرف نموده و رنج کشیده ، در آخر کار ، گاو آهن و یا چکشی را ساخته است ، از این نظر ارزش کار آنها با هم فرق فاحش پیدایمی کند .  
عین این تفاوت در امر بمعرف و نهی از منکر و با اصطلاح مبارزه با فساد و نظارت ملی ، با سایر کارهای شرعی و عرفی موجود است .

بطور مسلم هیچ عملی از نظر ارزش معنوی بپایه امر بمعرف نخواهد رسید ، چون هر کار مشروع بجز از امر بمعرف نتیجه آن جزئی و عائد خود انسان است ، زیرا افضل اعمال بحکم عقل و نقل ؛ همان ایمان بخداوند ؛ و پرستش (نماز) او است ، ولی نتیجه ایمان فقط و فقط ، مربوط بخود شخص ایمان آورنده است ، و شخص او در پرتو ایمان سعادتمند و اصلاح میشود ، در حقیقت ایمان و سایر اعمال بدنی مانند نماز و حج ، موجی در اجتماع از نظر اصلاح ایجاد مینماید ، اما موجی بسیار کوچک که از حدود يك فرد تجاوز نمی نماید . از این نظر باید گفت : ایمان بخداوند از نظر اعمال فردی با فضیلت ترین عمل است ، نه از نظر های دیگر . ولی امر بمعرف و مبارزه با گناه ، و فداکاری در طریق اصلاح جامعه موجی بسیار بزرگتر از ایمان در اجتماع بوجود میآورد ، گاهی يك جامعه را از لب پرتگاه سقوط نجات می بخشد . گاهی در سایه نظارت ملی يك فرد ، جمعیت های بزرگی از خطر های مادی و ضرر های معنوی مستخلص میشوند .

گاهی يك رهبر سیاسی ، يك راهنمای مذهبی ، يك دلسوز نوع دوست ، با نظارت های بی گیر ، مبارزه های ریشه دار ، و دعوتها و راهنماییهای سودمند يك ملت چند ملیونی را از

ناکامیها و محرومیتها ، از سیه روزی و تیره بدبختی ، نجات میدهد .

شاهد گفتار ما آزادیهائی است که ملل استعمارزده و زجر دیده آفریقا ، وپاکستان و هندوستان در سایه فداکاری يك اقلیت ناچیز بدست آورده اند .

روی این مبنا میتوان بعظمت گفتار امیر مؤمنان در ارزش امر بمعروف و نهی از منکر پی برد ، که میفرماید : **وما اعمال البر کلهما عند الامر بالمعروف والنهی عن المنکر الا کفئته فی بحر لجمی** : یعنی کلیه کارهای خیر و نیک نسبت به امر بمعروف و نهی از منکر بسان قطره ایست در برابر دریای موج و بزرگ .

هر گز قطره آب در برابر قطرات بی پایان آبهای دریا قابل سنجش نیست .

روزی که امیر مؤمنان این جمله را بیان نموده مسائل جامعه شناسی مطرح نبود . لذا دانشمندی که کلمات آنحضرت را شرح کرده اند ؛ در توضیح این جمله حق مطلب را ادا نکرده و شاید بایک نظر تعجب آمیز گذشته اند ولی امروز عام جامعه شناسی ، و جریانهای زندگی ملل از پا در آمده که بار دیگر در سایه راهنمایی يك اقلیت دومرتبه قدهلم کرده اند ، این مطالب را آفتابی نموده است .

### امر بمعروف و ضامن اجرای کلیه قوانین است

کلیه قوانین عرفی و شرعی تا ضامن اجراء محکمی پشت آن نباشد ، هر گز اجراء نخواهد شد ، درحقیقت در سایه امر بمعروف و نظارت ملی ، تمام قوانین اجتماعی و اقتصادی اجراء میشود و اگر دستگاه نظارت و بازرسی از کار افتد ، تمام دستورات بحالت تعطیل درآمده و کوچکترین سودی عائد مردم نمیکردد .

امام باقر (ع) این مطلب را در جمله کوتاهی بیان کرده است : **ان الامر بالمعروف والنهی عن المنکر فریضتان بهما تقام الفرائض وتحل المكاسب وتأمن المذاهب** : در سایه نظارت مردم ، فرائض و تکالیف انجام میگردد مردم ملزم میشوند از حرام بپرهیزند ، و از طرق مشروع و کسب حلال ارتزاق کنند ، در سایه دستگاههای مبارزه با فساد ، تمام راههای کشور امن میگردد ؛ و امنیت بر اثر اجراء حدود ؛ و کیفر دادن جنایتکاران ، در سرتاسر کشور سایه میافکند .

اگر این قدرت ، یعنی قدرت امر بمعروف ، با تمام مراحل گوناگونی که دارد ، از راهنمایی زبانی گرفته تا برسد با اجراء حدود و قوانین جزائی ، از اجتماع گرفته شود ، هرج و مرج ، بی نظمی ، درهم برهمی ، وحشت و اضطراب در تمام شوئن مردم رخنه کرده ولذت زندگی را از بین میبرد .

### آیا مبارزه با فساد با آزادی بشر منافات دارد؟

در اجتماعی که من و شما در آن بسر میبریم زندگی میکنیم ، حساب من و شما از حساب جامعه جدا نیست ، اگر ضرر و ضربه ای. ولو در اثر نادانی يك اقلیت باشد. بجامعه وارد آید ، همه آن جامعه متضرر میشوند حتی آنها که نقش تماشاگری را داشتند ، و عامل فساد و ضرر نبودند زیرا اجتماع بسان يك پیکر و افراد بطور کلی اعضاء آن پیکرند ، بهر نقطه ای از اعضاء بدن صدمه ای وارد آید ، همه اعضاء در آتش آن میسوزند

ضربه های اقتصادی ، اخلاقی ، فرهنگی که در اثر جهالت يك اقلیت وارد میشود ، دود آن بچشم همه رفته ، گنهکار و غیر گنهکار در برابر آن یکسانند .

سقوط اخلاقی در قسمتی از اجتماع بسان بیماری مسری ، دامنگیر همه میشود ، ضررهای مالی و اقتصادی و فلج شدن کشاورزی در يك منطقه ، هر فرد را بهم خود بدبخت و تیره روز میسازد ، و هرگز نمیتوان حساب فرد را از حساب اجتماع جدا ساخت ، و بنا بر این سکوت در برابر مفاسد ، غلط و گناه است. این حقیقت را قرآن در ضمن يك آیه کوتاه بیان کرده است : **وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا هُمْ خَاصَّةً** (انفال ۲۵) ای مردم از بلاهائی بترسید که هنگامیکه وارد میشود تنها دامنگیر گناهکاران نمیشود بلکه گناهکار و بیگناه در آتش آن میسوزند .

بنا بر این مبارزه با فساد ، راهنامه ای و دعوت بکارهای نیک ، جلوگیری از انحراف ، هرگز با آزادی فردی منافات ندارد ، زیرا آزادی در صورتی محترم است که سلب آزادی از دیگری نکند ، منافع دیگری را در خطر نیافکند ، در حقیقت فرد مبارز از حقوق خود و دوستان خود که در سایه افراط و انحراف چند فرد مفسد در خطر میافتد دفاع میکند

پيامبر اکرم پاسخ این پرسش را در ضمن يك مثل روشن فرموده است ، او در پاسخ سؤال کننده چنین گفت : اجتماع ما بسان يك کشتی است ، سر نشینان کشتی تا آنجا آزادند که موجبات هلاک دیگران را فراهم نکنند ، هر گاه مسافری از این آزادی سوء استفاده بنماید ، و بخواهد با میخ یا تیشه دیوار کشتی را سوراخ کند ، کلبه مسافران روی غریزه دفاعی که دارند ، بشدت هر چه تماثر با او مبارزه مینمایند ، و عمل او را يك نحوه سوء استفاده از آزادی تلقی میکنند .

جامعه نیز بسان کشتی است ، افراد جامعه سر نشینان این کشتی هستند آنها در ضرر و نفع یکسانند و نمیتوان حساب ضرر زدن يك فرد را از اجتماع جدا نمود .

البته ما معترفیم با این بحث کوتاه نتوانستیم حق این اصل حیاتی را ادا نمائیم ، زیرا يك سلسله بحثهای جالب در پیرامون امر بمعروف است ( مانند : تکامل در سایه انتقاد ، مراتب امر بمعروف ، شرائط عقلی و شرعی این اصل) که در فرصت دیگر از آنها بحث باید نمود .